

کار بست توحید در فرآیند تولید قدرت نرم افزاری

در حکومت اسلامی

هادی شجاعی*

تأیید: ۹۶/۸/۲۱

دریافت: ۹۶/۲/۲

چکیده

تحول در گفتمان‌ها و فراروایت‌ها، موجب دگرگونی در کمیت و کیفیت منابع قدرت نرم گردیده و از این منظر، وزن منابع قدرت در جهانی‌بینی‌ها و مکاتب مختلف با یکدیگر متفاوت می‌باشد. جهانی‌بینی الهی و تبلور مکتبی آن در قالب دین اسلام، مجموعه‌ای از ارزش‌ها و باورهای بنیادین را ارائه می‌کنند که مجموعه منابع جذابیت‌آفرین نظام اسلامی را از حیث تنوع و پراکندگی و عمق دیرپایی با منابع قدرت نرم در مکاتب مادی متمایز می‌سازد. این پژوهش در پاسخ به این سؤال اساسی که توحید و اعتقاد به خداوند یکتا به عنوان بنیادی‌ترین باور ایمانی، چه نقشی در فرآیند تولید قدرت نرم‌افزاری حکومت اسلامی در سیاست بین‌الملل بر عهده دارد، می‌کوشد به روش تحلیلی - توصیفی و با تجزیه و تحلیل کارکردی باورها و ارزش‌های اساسی جامعه در بستر تولید قدرت نرم، تصویری دقیق از جایگاه و نقش عنصر توحید در مهندسی سیاسی - اجتماعی ارائه نموده و از این رهگذر اثبات نماید که توحید و ایمان به خداوند یکتا در ضمن فرآیندهایی چون جذب فطرت‌های پاک بشری، طراحی آرمان‌های فراملی جذاب و... نقش بسزایی در تولید قدرت نرم برای حکومت اسلامی بر عهده دارد.

واژگان کلیدی

توحید، فرآیند، قدرت نرم، حکومت اسلامی

* دانشجوی دکتری و استاد علوم سیاسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی؛

shojaeehadi@yahoo.com

مقدمه

با گذر از نیمه قرن بیستم، جهان شاهد تحولات چشمگیر و پیچیده‌ای بود که بتدریج بکارگیری قدرت سخت را با مشکل جدی مواجه می‌نمود. از سویی پیشرفت‌های فناوریانه، سلاح‌ها را دقیق‌تر، ولی مخرب‌تر کرده و هزینه‌های سیاسی و اجتماعی کاربرد نیروی نظامی را افزایش داد و از سوی دیگر، فناوری مدرن ارتباطات، از ابهام جنگ کاسته، اما آگاهی سیاسی را تقویت کرده و گسترش رسانه‌های همگانی و شبکه‌ای شدن جهان و همچنین باسوادتر شدن عامه مردم، نیروی جدیدی به نام افکار عمومی را به میدان سیاست بین‌الملل وارد ساخت و پیگیری هر اقدام خشونت‌آمیز و استفاده از قوه قهریه را متوقف بر اقناع‌سازی آن نمود و بدین ترتیب، قدرت سخت، روز به روز ناملموس‌تر و اجبار ناکارتر گردیده و رویکرد به منابع قدرت و شیوه بهره‌گیری و مدیریت این منابع، دچار تغییر و تحولات گسترده‌ای شد. آنچه که امروزه به عنوان منابع قدرت نرم شناخته می‌شوند، فاکتورهای غیر محسوسی می‌باشند که بطور غیر مستقیم از طریق تأثیر بر رفتارها و شکل دادن عقایدی که اشخاص دارند، مؤثر واقع شده و از دیرباز مد نظر نخبگان علمی و سیاستمداران جوامع مختلف قرار داشته است (یاسوشی و مک کانل، ۱۳۸۹، ص ۲۸).

تحول در گفتمان‌ها و فراروایت‌ها، موجب دگرگونی در نوع نگاه انسان به پدیده‌های سیاسی و اجتماعی می‌گردد. دلیل این دگرگونی در این مطلب نهفته است که عناصر هر گفتمان، بر محور چارچوبی خاص مفصل‌بندی گردیده و از این‌رو، موضوعات گوناگون در چارچوب گفتمان‌های مختلف، معنا و هویت جدیدی می‌یابند. به عنوان مثال، قدرت به عنوان یک پدیده سیاسی - اجتماعی، در گفتمان سکولار، هویتی تکثرگرا، نسبی‌گرا و مبتنی بر مرجعیت اکثریت می‌یابد؛ در حالی که همین مفهوم، در گفتمان الهی، بر مشارکت، مسئولیت، تغییر ماهیت قدرت (خلافت الهی)، بیعت، اعتراض و قیام علیه بدی‌ها و... استوار می‌شود که از حیث موضوع، ماهیت، اهداف، منابع و روش تحصیل آن، کاملاً از مباحث رایج قدرت در سطح جهان متفاوت

می‌گردد. با این وصف، ماهیت منابع قدرت نرم، با نوع نگاه کلان به موضوع قدرت و سیاست در گفتمان‌های مطرح، ارتباط مستقیم داشته و هویت، دسته‌بندی و غایات خود را در این زمینه‌های کلان می‌یابند، این می‌شود که از فحوای کلام «ماکیاولی» به شاهزادگان ایتالیایی «اینکه مردم از شما بترسند مهمتر است از اینکه شما را دوست داشته باشد» (نای، ۱۳۸۷) (الف)، ص ۳۷، ثانوی بودن منابع قدرت نرم و غایت بردگی انسان استفاده می‌گردد؛ در حالی که از کلام بنیانگذار انقلاب اسلامی، امام خمینی 1: «شما کاری نکنید که مردم از شما بترسند، شما کاری کنید که مردم متوجه شما شوند و شما را با آغوش باز بپذیرند... کاری بکنید که دل مردم را بدست بیاورید» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۸، ص ۳۷۲)، اولویت قدرت نرم و منابع آن و غایت آزادسازی آحاد بشر فهمیده می‌شود.

بر این اساس، بازخوانی نوع نگاه رهیافت الهی به منابع نرم‌افزاری قدرت در سیاست بین‌الملل و تبیین فرآیند تولید قدرت توسط ارزش‌های بنیادین ارائه‌شده در قالب مکتب اسلام چون توحید، هدایت و... می‌تواند راهگشای مناسبی برای تبیین ماهیت حقیقی قدرت نرم و جایگاه آن در سیاست‌ورزی‌های بین‌المللی و تمایزات بنیادین آنها در رویکرد الهی و سکولار به منابع قدرت نرم باشد.

مفهوم‌شناسی

مفهوم‌شناسی در علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و یکی از اصول غیر قابل انکار در مسیر نظریه‌پردازی و تحلیل و توصیف پدیده‌های انسانی - اجتماعی بشمار می‌رود. مفهوم‌شناسی دقیق از واژه‌ها و اصطلاحات علمی می‌تواند بستر مناسبی را برای خلق نظریه‌های جدید، مبتنی بر کاربست منطقی مفاهیم فراهم آورد. ازاین‌رو، گام اول در یک پژوهش عالمانه، تجزیه و تحلیل موشکافانه مفاهیم بنیادینی است که پایه و اساس آن پژوهش را شکل می‌دهند.

الف) توحید

توحید واژه‌ای عربی، از ریشه «وحد» است که در لغت به معنای یکی کردن و

یکی دانستن (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۶۵۰) بکار رفته و در اندیشه دینی به معنای «یگانه‌دانستن خدا و اعتقاد به اینکه او واحد است» قلمداد می‌شود. واژه توحید مصدر باب تفعیل بوده و به معنای یکتاسازی و یگانه‌کردن استعمال نمی‌شود، بلکه به مفهوم اعتقاد به یکتایی و یگانگی است. «شیخ مفید» در «اوائل المقالات» معتقد است: مفهوم توحید در ذات معنایی خود عبارت از اعتقاد به این مسأله بنیادین است که: «خداوند عز و جل در الهیت و ازلیت واحد است و هیچ موجودی شبیه او نیست و هیچ چیز همانند او نخواهد بود و او در معبودیت یگانه است و ثانی ندارد» (مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۵۱).

توحید حقیقتی ذومراتب است که می‌تواند از جنبه‌های گوناگونی مورد بررسی قرار گیرد. منظور از توحید در این پژوهش، باور به نقش محوری و ذاتی خداوند متعال در همه حوزه‌های نظری و عملی حیات آدمی می‌باشد. بر این مبنا اراده انسان در همه سطوح حیات فردی و اجتماعی، می‌بایست تابعی از اراده خداوند بوده و پروردگار عالم معیار در تعیین و تفسیر قوانین حیات تلقی گردد. بر اساس مبانی دینی، تفکر توحیدمحور؛ یعنی تفکری که موجودات و پدیده‌های عالم را دارای مبدأ فاعلی متعالی می‌داند. بطور طبیعی کسی که این آموزه بنیادین را نپذیرفته و جهان را منقطع از اول و آخر مشاهده و تحلیل می‌کند، نسبت به انسان توحیدمحور پاسخ‌های متفاوتی به سؤالات پیرامونی خود ارائه خواهد کرد (جوادی آملی، ۱۳۷۷، ص ۳-۵).

ب) قدرت نرم

قدرت را می‌توان از زوایا و ابعاد گوناگون مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. این مفهوم در رویکرد کارکردی به دو قسم قدرت بدون رضایت و قدرت با رضایت تقسیم می‌شود: در حالت اول، تأثیرگذاری از طریق اجبار، تهدید و تطمیع صورت می‌گیرد، اما در حالت دوم که تأثیرگذاری بر طرف مقابل با رضایت وی انجام می‌شود، از دو عنصر اغوا و فریب یا اقناع و رضایت درونی استفاده گردیده و مخاطب یا بر اساس اغوا و یا بر اساس اقناع، کاری که از او خواسته می‌شود را انجام می‌دهد. در میان حالت‌های ذکرشده، مفهوم قدرت نرم، تنها تأثیرگذاری بر مخاطب از طریق اقناع و اعتبار را در بر

گرفته و حتی اغوا نیز از دایره این مفهوم خارج است. «جوزف نای» در تبیین مفهوم قدرت نرم می‌نویسد: «قدرت نرم، توانایی شکل‌دادن به ترجیحات و اولویت‌های دیگران است» (نای، ۱۳۸۷(الف)، ص ۴۳).

در این رویکرد به قدرت، ایجاد اولویت‌ها از طریق امتیازهای غیر ملموس مثل شخصیت، فرهنگ، نهادها و ارزش‌های سیاسی و سیاست‌هایی که مشروع و قانونی هستند و اقتدار اخلاقی دارند، بدست می‌آید. در این صورت است که کشور، ظرفیت ایجاد موقعیتی را بدست می‌آورد که کشورهای دیگر، علایق خود را بر اساس علایق و اولویت‌های آن پیش برده و یا منافع و علایق خود را به شکلی تعریف می‌نمایند که با علایق و منافع آن کشور، همخوان و منطبق باشد (نای، ۱۳۸۷(ب)، ص ۳۷۷). بنابراین، همانطور که «استیون لوکس» معتقد بود، چهره جدید قدرت، ایدئولوژیک است که از طریق غیر فیزیکی به صورت توفنده اعمال می‌گردد. در این دیدگاه، نگرش به قدرت عمیق‌تر شده و به ابعاد بسیار پنهان و ذهنی، مانند تضادهای نهفته و مسائل بالقوه توجه می‌شود (لوکس، ۱۳۷۱، ص ۴۱).

ج) حکومت اسلامی

در این پژوهش، مقصود از حکومت اسلامی، حکومتی است که چارچوب‌های قانونی و مقررات اجرایی کلان آن در ابعاد مختلف حیات اجتماعی ناظر به شریعت اسلامی وضع گردیده و مجری یا مجریان منصوب و مأذون از طرف خداوند متعال، عهده‌دار اداره شؤون مختلف آن می‌باشند. بنابراین، مراد از قید اسلامی در ترکیب «حکومت اسلامی» آن است که هنجارها و ارزش‌های اسلامی، جزء جدایی‌ناپذیر این الگوی حکومتی تلقی گردیده و از این‌رو، لازم است مشارکت مردم در چارچوب این هنجارها و ارزش‌ها نقش‌آفرینی نماید. منظور از اسلام در اینجا: «مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای اداره جامعه انسانی و پرورش انسانها» (جوادی آملی، ۱۳۷۳، ص ۹۳) از سوی خداوند یکتا و توسط حضرت محمد ﷺ برای هدایت همه‌جانبه مادی و معنوی بشر نازل شده است.

نکته‌ای که در اینجا توجه به آن ضروری بنظر می‌رسد، تشکیکی بودن مدل‌های حکومت اسلامی است. به اعتقاد «مصباح یزدی»، مبنای اندیشه اسلامی در پیگیری و تحقق ارزش‌ها، همه یا هیچ و تک‌مرحله‌ای نیست، بلکه از نظر اسلام، ارزش‌ها مراتب داشته که از پایین‌ترین مرتبه تا عالی‌ترین مرتبه تداوم دارد. بنابراین، در نظام سیاسی اسلام برای حکومت، مراحل و مراتب گوناگونی در نظر گرفته شده است که پس از عدم دستیابی به نظام و شکل برتر حکومتی، مرتبه و شکلی که یک درجه از آن فروتر است، جایگزین می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۹۵-۹۴). لذا اندیشه سیاسی اسلام ضمن ارائه چارچوب‌های کلان حکومت، قالب و شکل بیرونی حکومت را با توجه به شرایط و اقتضات زمانی و مکانی، منعطف فرض کرده است که بر اساس همان چارچوب‌های کلان، خود را با روند تحولات حیات انسانی تطبیق می‌دهد. مصباح یزدی در این باره می‌نویسد:

اسلام فراتر از معرفی شکل خاصی از حکومت و متناسب با احکام ثابت و تغییرناپذیر خود، چارچوب‌های کلی و کلانی را معرفی کرده که آن چارچوب‌ها در درون خود، تغییرات، تطورات و اشکال متعدد و متنوعی را پذیرا می‌شوند.... ما از آن چارچوبه کلی و کلانی که اسلام برای حکومت معرفی کرده به حکومت اسلامی تعبیر می‌کنیم. این چارچوبه در زمانی با ساختار و شکل خاصی ظهور می‌یابد و در زمان دیگر با ساختار دیگری (همان، ص ۱۰۵).

۲. چارچوب نظری؛ هویت‌یابی منابع قدرت نرم در بستر ارزش‌ها و باورهای بنیادین
امروزه آنچه در قالب ایده قدرت نرم عرضه می‌گردد، به محوریت هنجارها و ارزش‌ها در تولید قدرت اشاره دارد. در واقع، اولین مرحله در فرآیند تولید و توزیع قدرت نرم، تولید ارزش‌ها و باورهای مشترک بین تابع و آمر است. بطور کلی، نظام‌های ارزشی که مجموعه‌ای از ارزش‌ها و باورهای بنیادین را در بر می‌گیرند، نقش مهمی در رفتار سیاسی - اجتماعی بر عهده دارند:

نظام ارزشی کلیت منسجم و به هم پیوسته‌ای از موضوعات حیات مادی و معنوی است که فرد، گروه یا طبقه اجتماعی ارزش مثبت و منفی معینی به آن می‌دهد و همین ارزش‌ها متقابلاً فعالیت آنها را کنترل کرده و در جهت خاصی هدایت می‌کند (صبوری، ۱۳۸۱، ص ۲۳۸).

تکیه بر ارزش‌ها و باورهای مشترک، موجب می‌گردد که یک کنش خاص، مبتنی بر ارزش‌هایی باشد که طرف مقابل بمنظور رعایت آن ارزش‌ها، خود را ملزم به انجام آن کنش بداند. به اعتقاد روان‌شناسان اجتماعی، برخورداری از ارزش‌ها و تمایلات مشابه موجب می‌شود که افراد در اجتماع، خصایص مشترکی را به عنوان مشوق تلقی کرده و از همین رو، افراد معینی از سوی بسیاری از مردم دوست تشخیص داده می‌شوند (برکوویتز، ۱۳۸۷، ص ۳۳۶).

در حقیقت، وجود ارزش‌ها و تمایلات مشترک به عنوان یک عامل پیونددهنده در اجتماع عمل کرده و بستر را برای کنش‌های فعالانه اعضای جامعه در همراه‌سازی حداکثری فراهم می‌آورند. بدین صورت است که در فرآیند تولید قدرت نرم، اولویت‌ها و ترجیحات دیگران، همسو با اعمال‌کننده قدرت نرم گردیده و به علت جهانشمول بودن ارزش‌ها و باورهای ارائه‌شده، احتمال ایجاد جذابیت و دستیابی به نتایج مطلوب برای بازیگر مورد نظر فراهم می‌شود. اهمیت ارائه نظام ارزشی مقبول جامعه جهانی به حدی است که «مورگنتا»ی واقع‌گرا نیز موفقیت مکاتب بزرگ فلسفی در گذشته تاریخ و تسخیر و کنترل ذهنیت انسانها را نه از جهت حقانیت آن مکاتب، بلکه ناشی از باور به حقانیت آن می‌داند. به عقیده وی، این آرمان‌ها و ارزش‌ها به مخاطبین خود چیزی را هدیه می‌کردند که آنها انتظار داشتند؛ چه از نظر شناختی و چه از نظر عملی. به همین جهت نیز نادرستی بارز نظریه‌هایی مانند نازیسم و کمونیسم و... تأثیری در موفقیت یا شکست آنها نداشته است: «بلکه توانایی آنها در ارضای نیازهای عمیق سیاسی و فکری انسانها بود که موفقیت را تعیین می‌نمود» (مورگنتا، ۱۳۷۴، ص ۵۳۲-۵۳۱).

«آستین رنی» مجموعه اجزای یک نظام ارزشی و اعتقادی را در پنج مورد خلاصه می‌کند: ۱. ارزش‌ها. ۲. تصویر جامعه سیاسی آرمانی. ۳. مفهوم سرشت بشر.

۴. استراتژی عمل و ۵. تاکتیک‌های سیاسی (رنی، ۱۳۷۴، ص ۱۰۷-۱۰۶). این اجزای به هم پیوسته بطور معمول در ساختار ویژه‌ای مفصل‌بندی شده و مبتنی بر آن، دارای یک سری کارکردهای عام و خاص می‌باشند که در هدایت و کنترل رفتارهای اجتماعی مؤثر واقع می‌شوند. جامعه‌شناسان سیاسی، کارکردهای عام نظام‌های ارزشی و اعتقادی را در ضمن پنج مورد نام می‌برند:

۱. فراهم کردن تصویری از جهان برای فرد.
 ۲. فراهم کردن تصویری مرجح از جهان بطور ضمنی یا آشکار.
 ۳. فراهم کردن وسیله هویت برای فرد در جهان.
 ۴. فراهم کردن وسیله‌ای برای واکنش نشان دادن نسبت به پدیده‌ها.
 ۵. فراهم کردن یک راهنمای عمل برای فرد؛ بویژه اینکه چگونه وضعیت را به همان حالت حفظ کرده یا به حالتی مرجح تغییر دهد (راش، ۱۳۷۷، ص ۲۰۵-۲۰۴).
- با توجه به کارکردهای بسیار مهمی که برای نظام ارزشی و عقیدتی اشاره شد، می‌توان به این نکته اذعان داشت که هیچ جنبش اجتماعی و انقلاب موفق در طول تاریخ، بدون اتکا به یک نظام ارزشی و اعتقادی، ولو به صورت نسبی، به سرانجام نرسیده و وجود خارجی پیدا نخواهد کرد: «اطلاق عنوان انقلاب به یک پدیده کافی است تا آن را حاوی ایدئولوژی بدانیم» (محمدی، ۱۳۸۵، ص ۵۸). بنابراین، به علت اهمیت ارزش‌ها و باورهای بنیادین در فرآیند تولید قدرت نرم، شناخت و آگاهی از گستره و کیفیت ارزش‌ها و باورهای تولیدکننده قدرت نرم، علی‌رغم اهمیت فرآوری و توزیع آنها، در مرحله اول فرآیند تولید قدرت نرم قرار دارد.
- «علامه مجلسی» در «بحارالانوار»، با ذکر روایتی نغز و پرمعنا از امام رضا ۷، به خوبی عمق تأثیرگذاری ارزش‌ها و باورهای اسلامی را در ایجاد جذابیت و اقتناع مخاطبین تبیین نموده است. در این روایت شریف، امام رضا ۷ می‌فرمایند: «...فإن الناس لو علموا محاسن كلامنا لاتبعونا» (مجلسی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۳۰)؛ اگر مردم زیبایی‌های سخنان ما را بدانند، بی‌گمان از ما پیروی می‌کنند. مقام معظم رهبری در شرح این روایت می‌فرمایند:

برای گسترش معارف اهل بیت هیچ لازم نیست شما به این در و آن در بنزید، هیچ نیازی ندارد به بداخلاقی کردن و متعرض این و آن شدن، همین اندازه کافی است که معارف اهل بیت را درست فرا بگیریم، آن را به دیگران منتقل کنیم. این معارف توحیدی، این معارف انسان‌شناسی، این معارف فراگیر نسبت به مسائل زندگی بشر، خود جذاب است، دل‌ها را جذب می‌کند، آنها را دنبال راه ائمه به راه می‌اندازد (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۸/۳).

بنا بر مفاد روایت شریف، ارزش‌ها و باورهای نظام اسلامی به علت تطابق با فطرت انسانی، از چنان جذابیتی برخوردار هستند که تنها کافی است با استفاده از ابزار قدرت نرم؛ مانند رسانه‌ها، دیپلماسی فرهنگی و..... آنها را در معرض دید افکار عمومی دنیا قرار داد و از این طریق، زمینه‌ای را فراهم کرد که ملت‌ها خودبخود جذب این ارزش‌ها و باورهای متعالی گردند و در این صورت است که به تعبیر امام رضا 7: «والله لو یروون محاسن کلامنا لکانوا به أعز» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۲۲۹)؛ اگر زیبایی‌های کلام ما را بدون دخل و تصرف برای مردم نقل نمایند، بی‌شک به وسیله آن به عزت دست پیدا می‌کنند. نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان انقلابی مبتنی بر دین و ارزش‌های الهی، مجموعه‌ای از ارزش‌ها و باورهای هماهنگ و منسجم را به همراه آورد که در مراحل اولیه آغاز حرکت مردمی ملت ایران به عنوان یک عامل مهم پیونددهنده، بستر ایجاد همبستگی ملی در میان اقشار مختلف مردم را بخوبی فراهم کرده و در گام بعدی و در قالب ایده صدور انقلاب، ترویج ارزش‌های انسانی - الهی خود در میان سایر ملت‌ها را در رأس برنامه‌های خود معرفی کرد. «اسپوزیتو» در کتاب «انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن» اصول ایدئولوژی بنیادین انقلاب اسلامی را در ضمن ۵ مؤلفه نام می‌برد:

۱. تأکید مجدد بر اسلام بمثابه شیوه زندگی تمام عیار.
۲. اعتقاد به اینکه پذیرش الگوی غیر دینی و غربی و جدایی دین از دولت، سرمنشأ تمامی مصائب اجتماعی، اقتصادی، نظامی و سیاسی جوامع مسلمان است.
۳. اعتقاد راسخ به اینکه بازگشت قدرت و موفقیت‌های مسلمانان، نیازمند برگشت به اسلام و حاکمیت دین الهی به جای سرمایه‌داری غربی و سوسیالیسم شرقی است.

۴. معرفی دوباره شریعت و قانون اسلامی بمتابه طرح اسلامی جامعه‌ای مطلوب که اجتماعی عادلانه و اخلاقی از مؤمنان است.

۵. تمایل به نبرد علیه تمام ناراستی‌ها، حتی اگر لازمه آن تحمل سختی‌ها و در صورت لزوم به شهادت رسیدن در راه خدا باشد (اسپوزیتو، ۱۳۸۲، ص ۴۹).

قدرت بی‌مانند ارزش‌های دینی چون ایمان به خداوند و... در ایجاد جذابیت و اقناع مخاطبین موجب می‌شود که «رابین رایت» خبرنگار مشهور آمریکایی در کتاب «شیعیان؛ مبارزان راه خدا» با نقل سخنی از حضرت امام خمینی^۱، چنین بر نفوذ بی‌مانند این ارزش‌ها صحه بگذارد: «ما باید با ابرقدرت‌ها تسویه حساب کنیم و به آنها نشان دهیم که با وجود تمام مسائل دردآور که با آنها مواجه هستیم، می‌توانیم از نظر عقیدتی با تمام جهان مقابله کنیم» (رایت، ۱۳۷۲، ص ۷).

نکته بسیاری مهمی که باید در اینجا به آن توجه نمود، اینکه صرف بهره‌بردن از منابع قدرت به معنای برخورداری از قدرت نیست، بلکه بر اساس تبیین دقیق «نای»، از نسبت میان قدرت و منابع آن، فرآیند تبدیل قدرت از منابع به نتایج رفتاری، یک متغیر میانی حساس، تعیین‌کننده و غیر قابل انکار می‌باشد. بنابراین، صرف برخورداری از منابع قدرت، ضامن کسب نتایج دلخواه در همه شرایط نیست. به عنوان مثال، آمریکا با وجود برخورداری از منابعی بسیار سرشارتر از ویتنام در جنگ دو کشور به زانو درآمد. به عقیده نای: «منجر شدن یا نشدن مجموعه معینی از منابع به نتایج دلخواه، بستگی به رفتارهایی شرایط‌مدار دارد» (نای، ۱۳۹۲ (الف)، ص ۳۱-۳۰). از این رو، برخورداری از ظرفیت و توانایی تحقق اهداف که از آن تعبیر به قدرت می‌شود، مستلزم فرآوری منابع قدرت است و بدون این فرآیندهای واسطه، علی‌رغم بهره‌بردن از منابع سرشار قدرت، عاید خاصی نصیب دارنده این منابع نمی‌شود؛ چنانکه منابع زیر زمینی چون نفت، گاز و... که در طول دو سده اخیر کشف و استخراج گردیده و به سبد منابع قدرت کشورها افزوده شد، در طی سده‌های پیشین نیز وجود داشته‌اند، اما به علت عدم اطلاع از آنها و یا عدم فرآوری صحیح، هیچگاه تبدیل به منابع قابل اتکای قدرت نشده‌اند. با این بیان، در ادامه کاربست عنصر توحید و ایمان به خدا در تولید قدرت نرم و فرآیندهایی که

ایمان در بستر آنها منجر به تحقق قدرت نرم‌افزاری می‌گردد، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

ایمان و اتکا به خداوند یکتا در فرآیند قدرت‌آفرینی

ایمان در لغت، به معنای تصدیق و اذعان (مصطفوی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۳۸)، گرویدن، باوردداشتن و ایمن کردن است؛ به این معنا که اعتقاد آدمی در دل او جای گرفته و در آن شک و تردید روا ندارد و از گذر آن، به نوعی امنیّت و آرامش درونی برسد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۵). بر این اساس، می‌توان گفت، ایمان عبارت از اعتقاد و اطمینان قلبی کامل و روشن به یک مطلب، شخص، فکر و... بوده که هرگاه به خداوند نسبت داده شود، آن را ایمان به خدا می‌گویند. رکن اساسی در مفهوم ایمان، تصدیق و تسلیم است که در بیان امیر المؤمنین علی ۷، سه مرتبه را شامل می‌شود: «الایمان تصدیق بالجنان و اقرار باللسان و عمل بالارکان» (نوری، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۷۴)؛ ایمان تصدیق به قلب و اظهار و اعتراف به زبان و عمل به جوارح و اعضاست. بنابراین، ایمان حقیقی همواره توأم با عمل بوده که به تعبیر علامه طباطبایی، علامت تسلیم حقیقی است: «علامت چنین قبولی این است که سایر قوا و جوارح آدمی نیز آن را قبول نموده و مانند خود نفس در برابرش تسلیم شود» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۹۰). به اعتقاد دین‌شناسان، ایمان به خدا روح و جان و اساس ادیان بزرگ الهی؛ یعنی مسیحیت، یهودیت و اسلام بوده و منشأ همه پیروزی‌ها و کامیابی‌های پیروان راستین ادیان بشمار می‌آید (پلنتینگا، ۱۳۸۱، ص ۴۳). به دلیل همین تأثیر غیر قابل انکار در کنترل و هدایت موفقیت‌آمیز رفتار آدمی است که «برتراند راسل»، ایمان و باور به یک مسأله را تولیدکننده قدرت مطلق می‌داند. به عقیده وی:

به آسانی می‌توان این ادعا را مطرح کرد که باور دارای قدرت مطلق است و همه صورت‌های دیگر قدرت از آن ناشی می‌شوند. ارتش‌ها بی‌فایده‌اند، مگر آنکه سربازان به امری که برایش می‌جنگند باور داشته باشند... باور دینی غالباً نیرومندتر از دولت از آب درآمده است (راسل، ۱۳۷۱، ص ۱۷۳).

اساس دین بر ایمان به خداوند یکتا بنیان گذاشته شده و توحید در اندیشه اسلامی، به عنوان محور همه آموزه‌های سیاسی - اجتماعی بشمار می‌رود؛ به گونه‌ای که می‌توان مدعی شد، بدون توحید همه چیز معنای دیگری یافته و اسلام و آموزه‌های آن، چیزی جز پوستین بی‌محتوا نخواهد بود. بر این اساس است که قدرت سیاسی در جهان‌بینی الهی، بر مبنای رابطه خداوند و انسان، به عنوان خالق و مخلوق تعریف گردیده و خداوند متعال منشأ همه قدرت‌ها دانسته می‌شود:

این را ما باید احساس کنیم، این قدرت از منشأ قدرت است، آن قدرتی هم که انبیا داشتند از انبیا نبود. بشر از اول تا آخر هیچ است، آنچه هست قدرت خداست و آن قدرتی که شما را به استقلال و آزادی رساند، قدرت خدای تعالی بود (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۲۳۶).

به اعتقاد برخی مورخین، دینداری بر محور یکتاپرستی در ایران، قدمتی به اندازه تاریخ این سرزمین دارد. در واقع دین‌باوری؛ یعنی همانا اعتقاد داشتن به مرکزیت خدایی که همه جا حاضر است، همیشه با فرهنگ و تمدن ایران همراه بوده است (رجایی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۹)؛ به گونه‌ای که فرهنگ و تمدن ایران‌زمین، با تکوین دولت ماد و اقتدار آن در جهان باستان پس از سقوط دولت آشوری، صورتی سیاسی - روحانی یافت (مددپور، ۱۳۸۱، ص ۵۴). امروز نیز با استقرار نظام جمهوری اسلامی و حاکمیت کلمه الله، توحید و ایمان به خداوند یکتا به عنوان کانون محوری انقلاب اسلامی محسوب گردیده و دیگر مؤلفه‌های این گفتمان سیاسی - اجتماعی، حول آن مفصل‌بندی می‌شوند. «بریر» و «بلانشه» نقش عنصر ایمان در صف‌آرایی ملت ایران در برابر ارتش تا دندان مسلح نظام شاهنشاهی و تأثیر آن در پیروزی انقلاب ایران را بدین صورت تصویر می‌کنند: «مردان آراسته، زن‌های خیلی متشخص، خیلی فرنگی مآب با تمام قدرت سینه فریاد می‌زنند: خدا بزرگ است... استغاثه مردم دست خالی به خدا در مقابل صفیر گلوله‌ها» (بریر و بلانشه، ۱۳۵۸، ص ۱۰۰).

اکنون با گذشت چند دهه از پیروزی انقلاب اسلامی و گذر از فراز و نشیب‌های بسیار، جلوه‌های قدرت‌آفرین ایمان ملت ایران، بیش از پیش نمایان گردیده و عنصر

اعتماد و اتکا به خداوند متعال، به یکی از جذابیت‌آفرین‌ترین مؤلفه‌های قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است. بدیهی است همانطور که گفته شد، قدرت‌آفرینی منابع مولد قدرت نرم، در چارچوب فرآیندهای ویژه‌ای صورت می‌گیرد که مخاطب پیام را وادار به همراهی از طریق اقناع می‌نماید. در ادامه به برخی از فرآیندهایی که در طی آن، ایمان و اتکا به خداوند یکتا، مولد قدرت نرم برای نظام جمهوری اسلامی ایران می‌گردد، اشاره می‌شود:

ایمان و سنخیت با فطرت همه انسانها

به استناد شواهد موجود تجربی - تاریخی و استدلالات عقلی و نقلی و....، حس خداجویی و دین‌گرایی، به معنای ابراز خضوع، عبودیت و اظهار عجز و نیاز به پیشگاه خداوند، همزاد انسان بوده و بشر از ابتدای خلقت به انحای گوناگون و در اقصی نقاط عالم، گرایش فطری خود به مبدأ بی‌نهایت را نشان داده است. «ساموئل کینگ»، در کتاب «جامعه‌شناسی» خود می‌نویسد:

اساساً در جهان، طایفه یا جامعه‌ای بدون معتقدات و آداب مذهبی وجود ندارند... ما نتوانستیم از لابه‌لای اوراق تاریخ، لوحه‌ها، کتیبه‌ها و بقایای آثار تاریخی، بشر را از قید «مذهب» آزاد ببینیم... نه تنها امروزه در سراسر جهان مذهب وجود دارد، بلکه تحقیقات دقیق نشان می‌دهد که طوایف نخستین بشر نیز دارای نوعی مذهب بوده‌اند؛ چنانکه اسلاف انسان امروزی نیز دارای نوعی مذهب بوده‌اند (کینگ، ۱۳۵۵، ص ۵۰).

قرآن کریم در آیات متعددی به این حقیقت اشاره داشته و به عنوان نمونه در آیات ۵۳ و ۵۴ سوره مبارکه نحل: «ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَإِنَّهٗ تَجَارُونَ * ثُمَّ إِذَا كَشَفَ الضُّرُّ عَنْكُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْكُمْ بِرَبِّهٖمْ يُشْرِكُونَ»؛ آنچه از نعمت‌ها دارید، همه از سوی خداست و هنگامی که ناراحتی به شما رسد، فقط او را می‌خوانید. هنگامی که ناراحتی و رنج را از شما برطرف می‌سازد، ناگاه گروهی از شما برای پروردگارشان هم‌تا قائل می‌شوند، بر فطری بودن توحید ربوبی و در آیه ۶۰ سوره مبارکه یس: «أَلَمْ أَعْهَدْ لَكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ

لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ؛ آیا با شما عهد نکردم ای فرزندان آدم که شیطان را نپرستید که او برای شما دشمن آشکاری است؟! بر فطری بودن توحید عبادی تأکید نموده است. بنابراین، توحید از منظر قرآن، امری فطری و همه‌فهم است که خلقت انسانها بر اساس آن سرشته می‌شود. به همین دلیل، در روایت «سعد بن سعد» از امام رضا 7، وقتی سائل از توحید سؤال کرد، آن حضرت به ارتکاز وی بسنده کرده و بدون هیچگونه استدلال عقلی فرمود: «هو الَّذِي أَنْتُمْ عَلَيْهِ»؛ همان چیزی که شما بر آن هستید (مجلسی، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۲۴۰).

از دیدگاه استاد مطهری گرایش به سوی مجموعه‌ای از حقایق و واقعیات مقدس و قابل پرستش، در سرشت فرد فرد بشر وجود داشته و وجود انسانی، کانون یک سلسله تمایلات و استعدادهای غیر مادی بالقوه می‌باشد که آماده پرورش است (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۴۳). ایشان یکی از پایدارترین و قدیمی‌ترین تجلیات روح آدمی و یکی از اصیل‌ترین ابعاد وجود آدمی را حس نیایش و پرستش معرفی می‌کند (همان، ص ۲۷۹). به همین دلیل نیز از دیدگاه «فروم»، مسأله اساسی در تحلیل روحیه پرستش در ذات انسان به دیندار یا بی‌دین بودن انسانها مرتبط نمی‌باشد، بلکه اصل دینداری مسأله‌ای مفروض است و دعوا بر سر نوع ادیان می‌باشد:

هیچکس نیست که نسبت به دینی نیازمند نباشد و حدودی برای جهت‌یابی و موضوعی برای دل بستگی خویش نخواهد. او خود ممکن است از مجموعه معتقداتش به عنوان دین، ممتاز از عقاید غیر دینی آگاه نباشد و ممکن است برعکس، فکر کند که هیچ دینی ندارد و معنای دل بستگی خود را به غایاتی ظاهراً غیر دینی مانند قدرت و پول یا کامیابی، فقط نشانه علاقه به امور عملی و موافق مصلحت بداند. مسأله بر سر این نیست که انسان دین دارد یا ندارد، بلکه این است که کدام دین را دارد (فروم، ۱۳۵۹، ص ۳۸-۳۹).

استاد مطهری با تحلیل دیدگاه فروم در فطری بودن اصل پرستش در وجود انسان، بر این نکته تأکید می‌کند که اساساً زندگی بدون تقدیس و پرستش برای انسان امکان‌پذیر نیست و بر فرض اینکه خدای یگانه را نیز نشناخته و نپرستد، به هر حال، عنصر

دیگری را به عنوان حقیقت برتر خواهد ساخت و او را موضوع ایمان و پرستش خود قرار خواهد داد (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۴۴).

فطری بودن پرستش در میان آحاد افراد و جوامع انسانی در طول تاریخ با تحلیل تاریخ و نه صرف وقایع‌نگاری قابل اثبات است. از منظر «جوادی آملی» اگر با مراجعه به تاریخ زندگی انسان و جوامع بشری، مسأله‌ای در میان آنها مشترک تشخیص داده شد، می‌توان حکم کرد که آن مسأله در میان آنها فطری است؛ چراکه: «اگر آنها تحمیلی بر انسان بودند، هرگز با این گستردگی محقق نمی‌شدند» (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ج ۱۲، ص ۴۵). البته در تحلیل فطری بودن پرستش در انسان باید به این نکته تأکید کرد که فطری بودن، هم از ناحیه گرایش و هم از جهت بینش در وجود انسان اثبات می‌شود. به عقیده «مصباح یزدی»، انسان در کنار گرایش به پرستش موجود برتر، نسبت به آن دارای یک شناخت و بینش فطری نیز می‌باشد:

انسان نسبت به خدا یک شناخت فطری دارد؛ آن هم از نوع شناخت شهودی... وقتی می‌گوییم گرایش هست به پرستش خدا؛ ناچار نوعی شناخت هم باید در فطرت باشد... وقتی خداپرستی فطری شد؛ یعنی در نهاد ما یک گرایش است به اینکه خضوع بکنیم در مقابل یک کسی، آن کس را باید بشناسیم، نه اینکه در مقابل یک چیزی که نمی‌دانیم چه چیزی است، خود این فطرت، آن چیز را نشان می‌دهد؛ این خضوع در مقابل کامل مطلق است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۴۵-۴۴).

با توجه به آنچه گفته شد، امروز نظام جمهوری اسلامی ایران، به عنوان تنها نظام منبث از اندیشه توحیدی در جهان که ساختار سیاسی - اجتماعی خود را بر محوریت عنصر توحید و ایمان به خالق هستی سازماندهی نموده است، از قابلیت هنجارسازی بسیار بالایی از طریق ایجاد جذابیت ایمانی برخوردار است؛ چراکه پس از قرن‌ها اثبات نموده است که می‌توان بر اساس ایمان به خداوند یکتا، نظامی سیاسی - اجتماعی را طراحی نمود که در سایه برخورداری از جامعیت بی‌مانند، آرمان‌ها و اهداف ملی و فراملی را بخوبی مدیریت و پیگیری نماید و این برای بشر خداجو که در سده‌های متمادی،

در معرض این اندیشه انحرافی قرار گرفته است که جمع میان نظام سیاسی - اجتماعی و ایمان به خدا غیر ممکن می‌باشد، قطعاً جذابیت‌ساز خواهد بود؛ بویژه آنکه به گفته مصباح یزدی:

هر فردی دست کم از مرتبه ضعیفی از شناخت حضوری فطری برخوردار است، می‌تواند با اندکی فکر و استدلال، وجود خدا را بپذیرد و تدریجاً شناخت شهودی ناآگاهانه‌اش را تقویت کند و به مراتبی از آگاهی برساند (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۴۵).

بنابراین، در شرایطی که متفکرین برجسته غربی وضعیت کنونی دنیا را به نهضت بازگشت به دین و مدینه فاضله تعریف می‌کنند، ایمان و اتکا به خداوند که به عنوان دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی، ریشه در اعماق وجود آحاد افراد بشر دارد، می‌تواند در صورت عرضه صحیح و مناسب، همراهی روزافزون افکار عمومی دنیا با سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران را به همراه داشته باشد؛ چراکه به اعتقاد بسیاری از دین‌شناسان، یکی از علل بی‌ایمانی فزاینده در جامعه جهانی، قصور و کوتاهی دینداران در تطبیق چهره بیرونی زندگی خود بر ایمان درونی و مختصات ویژه آن می‌باشد. به گفته «جان الدر»: «علت دیگر بی‌ایمانی، قصور ایمانداران به خداست که زندگانی خود را با موازین حقیقی که تعلیم می‌دهند، منطبق نمی‌سازند» (الدر، ۱۳۶۱، ص ۶). در چنین شرایطی نهادینه‌شدن نسبی عنصر دین و ایمان در ساختار، قوانین، رفتار و عملکرد سیاست خارجی نظام اسلامی در طول چند دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، نه تنها موجب جلب توجه بسیاری از دینداران به ظرفیت‌های عظیم ایمان در عرصه‌های اجتماعی گردید، بلکه در عین حال، ذهنیت قدرت‌های مسلط جهانی را متوجه اهمیت قدرت ایمان در سیاست داخلی و خارجی نمود؛ بطوری که «دانیل پاپس» در سال ۱۳۶۸، در کنفرانسی در «استامبول ترکیه» گفت:

باید اعتراف کنیم که تا پیش از انقلاب اسلامی، ما برای افکار دینی و مذهبی هیچ جایی باز نکرده بودیم.... اما از این پس، برای ما آمریکایی‌ها ضروری است که زمینه‌ای جهت مطالعه و تحقق پیرامون مذهب فراهم آوریم (حاجتی، ۱۳۸۱، ص ۵۳).

ایمان به خدا و آرمان‌های فراملی جذاب

به اعتقاد «جوزف نای»، یکی از مهارت‌های بسیار مؤثر در فرآیند تولید قدرت نرم، آرمان‌سازی به معنای «توانایی برای بیان یک تصویر الهام‌بخش از آینده» (نای، ۱۳۹۲) (ب، ص ۵۳) می‌باشد. به اعتقاد بسیاری از روان‌شناسان، علی‌رغم اینکه به علت دخیل بودن عوامل بسیار، صرفاً بر اساس تحلیل گرایش‌های افراد نمی‌توان رفتار آنها را پیش‌بینی کرد، لکن غالب محققین بر این نکته اتفاق نظر دارند که گرایش‌هایی مانند ایمان، یکی از عوامل مهم در جهت‌دهی و هدایت رفتارهای انسان می‌باشند (آلفیلیپ، ۱۳۷۹، ص ۳۵).

بسیاری از آیات قرآن کریم از وجود رابطه کلی بین ایمان و عمل خبر داده و بر این اصل صحه می‌گذارند که ایمان منشأ انجام کار خوب و متقابلاً، انجام کار خوب نیز موجب ازدیاد ایمان خواهد شد (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۳۸). بر همین اساس، «علامه طباطبایی» رابطه ایمان و عمل را کاملاً درهم‌تنیده و وثیق می‌دانند. به عقیده ایشان:

ایمان و عمل ارتباط وثیقی با هم دارند. در رابطه با ارتباط ایمان و عمل برخی گفته‌اند: ایمان به معنای اذعان و تصدیق به چیزی همراه با التزام به لوازم آن است. بنابراین، اعتقاد به امری به تنهایی و بدون التزام به لوازم و آثار آن ایمان نیست. ایمان گرچه می‌تواند با نافرمانی نسبت به برخی از لوازمش به جهت یک مانع نفسانی جمع شود، اما نمی‌تواند بطور کلی از لوازم خود جدا شود (طباطبایی، ۱۳۶۰، ص ۶۲).

بنابراین، این مطلب که اصل ایمان موجب یک سری اعمال و رفتار گردیده و آن اعمال و رفتار به نوبه خود باعث افزایش ایمان می‌شوند، مورد قبول قریب‌به‌اتفاق اندیشمندان اسلامی می‌باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۳۹).

یکی از تأثیرات برجسته ایمان و اعتقاد به قدرت لایزال خداوندی در زندگی انسان، در قدرت آرمان‌سازی آن نهفته است. بدیهی است انسان با توجه به نوع جهان‌بینی خود، پدیده‌های عالم را تفسیر و تحلیل کرده و مسیر حیات فردی و اجتماعی خود را بر اساس درکی که از عالم هستی و جایگاه خود دارد، انتخاب می‌نماید. از این منظر،

ایمان و کفر نیز زمینه‌ساز برداشت و تفسیری خاص از حوادث بوده و هر یک ساختار زندگی فردی و اجتماعی را به شکلی خاص برنامه‌ریزی می‌نمایند و از این‌روست که بر اساس آموزه‌های قرآن، مؤمنان در امور مختلف، تفسیری متمایز از تفسیر کافران ارائه می‌کنند (بقره ۲: ۲۶). وقتی بنیان یک جامعه بر عنصر یگانگی خداوند گذاشته می‌شود، خودبخود بینش و نگرش اعضای جامعه به این سمت هدایت می‌گردد که تنها خداوند است که هستی را آفریده و انسان را پرورانده، هدایت و مدیریت می‌نماید و لذا نگرش افراد مؤمن و اهل توحید به جامعه و افراد انسانی، نگرشی مثبت و سازنده خواهد بود. امام صادق ۷ در ضمن روایتی از قول خداوند متعال می‌فرماید: «الخلق عیالی فاحبهم الیّ الطفهم بهم و اسعاهم فی حوائجهم» (مجلسی، ۱۳۶۶، ج ۷۱، ص ۳۳۶)؛ مردم عیال من‌اند. محبوب‌ترین آنها نزد من کسی است که بیش از همه به مردم مهربان باشد و کوشش بیشتری در رفع نیازمندی‌های آنان کند و یا در روایت دیگری از رسول خدا ۹ وارد شده است که: «رأس العقل بعد الدین التّوّد الی النّاس و اصطناع المعروف الی کلّ برّ و فاجر» (نوری، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۳۵۳)؛ پس از دین (و ایمان به خداوند)، بشردوستی و نیکی به مردم؛ اعم از درستکار و گناهکار، سرآمد تمام کارهای عاقلانه است. این قبیل آیات و روایات، افق حرکتی شخص با ایمان را در فراسوی مرزهای جغرافیایی و منافع شخصی، ملی و..... قرار داده و سرنوشت دیگر آحاد بشر، در درجه‌ای از اهمیت قرار می‌گیرد که خداوند متعال دوست‌داشتنی‌ترین فرد، جامعه و نظام سیاسی نزد خود را، با قیاس و میزان مهربانی با دیگر ملت‌ها می‌سنجد. از اینجاست که آرمان‌هایی، چون حمایت از ملل مستضعف و محروم و جنبش‌های آزادیبخش و مبارزه با ظلم و..... وارد گفتمان سیاسی - اجتماعی توحیدی می‌گردد و آنقدر نیز مهم تلقی می‌شود که در روایت رسول خدا ۹، بعد از دین و ایمان به خدا، در رأس فعالیت‌های عاقلانه انسان قرار می‌گیرد.

به عقیده «ویلیام جیمز» روان‌شناس شهیر آمریکایی، حقیقت باورهای دینی را می‌بایست از راه مطالعه نتایج و پیامدهای عملی آنها که در ابعاد مختلف زندگی نمایان می‌شوند، روشن کرد. از دیدگاه وی، باورهای دینی و اعمال مذهبی، دارای آثار مشهود

و غیر قابل انکاری در زندگی انسان می‌باشند که برخورداری از اطمینان و آرامش باطنی و در نتیجه فوران احسان و عواطف بی‌دریغ در ارتباط با دیگران یکی از آن آثار می‌باشد (آذربایجانی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۱). در همین جهت، جان‌الدین عنصر صیانت نفس را اولین قانون طبیعت معرفی می‌کند که در رأس برنامه‌های همه انبای بشر در زندگی فردی و اجتماعی قرار دارد. وی با ذکر داستانی از فداکاری پزشک انگلیسی که جان خود را برای نجات مردم در منطقه‌ای از آفریقا از یک بیماری مهلک به خطر می‌اندازد، این سؤال اساسی را مطرح می‌کند که آرمان نجات انسانها حتی با وجود خطر مرگ، چگونه بر اصل صیانت از نفس غلبه پیدا کرده و موجب می‌شود که پزشک مزبور عزم خود را برای مبارزه با آن بیماری مخوف جزم کرده و جان هزاران نفر را نجات دهد؟ وی خود در پاسخ به این سؤال معتقد است که: «هر قدر یک موجود به مراتب عالی‌تر عالم ایجاد ارتقا یابد، به همان نسبت بیشتر واجد نیکوکاری و حقیقت و فداکاری می‌شود، اگر فقط ماده در دنیا حکمفرما باشد، هیچ نمی‌توان محلی برای این تصور نمود (الدین، ۱۳۶۱، ص ۵۳-۵۲).

چنانکه مشاهده می‌شود، ایمان و اعتماد به خداوند یکتا، آرمان‌ها و اهدافی را برای سیاست خارجی نظام اسلامی طراحی می‌نماید که همگی جذاب و جذابیت‌ساز هستند. از پیگیری عدالت در نظام بین‌الملل تا حمایت از مستضعفین و دفاع از حقوق مسلمانان و... که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به آنها تصریح شده است، همگی در جوامع توحیدی ریشه دوانیده و از این قابلیت برخوردار هستند که اذهان خفته یا تخدیرشده را متوجه خواست‌ها و اهداف انسانی یک ملت نمایند. بنابراین، آرمان‌سازی از وجوه دیگر توحید و ایمان به خداست که می‌تواند با اعتباربخشی به اهداف فراملی نظام جمهوری اسلامی ایران، به اشتراک مساعی ملت‌ها و کشورها پیرامون این آرمان‌ها منجر گردد.

ایمان و جذابیت‌آفرینی غیر ارادی

بر اساس مبانی اندیشه دینی، جلب نظر استقلالی مردم و انجام عمل به قصد تحصیل رضایت آنها صرف نظر از خواست الهی، امری شرک‌آمیز و ناپسند تلقی

می‌شود. در رویکرد الهی، کنشگر اجتماعی، رفتار و اعمال خود را تنها در جهت تحصیل رضایت خداوند انجام داده و در همه افعال خود حضرت حق را مد نظر قرار می‌دهد. تنها در این صورت است که خداوند متعال نیز دل‌های مردم را نسبت به او مهربان خواهد کرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۲۱۰). خداوند متعال در آیه ۹۶ سوره مریم می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا؛ خدای رحمان کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند، محبوب همه می‌گرداند. بنا بر مفاد آیه شریفه، مؤمنین محبوبیت در نزد خداوند را وجه همت خود قرار داده و با ایمان و انجام عمل صالح، زمینه‌ای را فراهم کرده‌اند که خداوندی که مالک قلب‌ها است، محبت آنها را در دل‌ها افکنده و آنها را در نزد مردم، محبوب و مورد علاقه قرار می‌دهد. علامه طباطبایی در ذیل این آیه می‌فرماید:

کلمه ود و مودت به معنای محبت است و در این آیه شریفه وعده جمیلی از ناحیه خدای تعالی آمده که به زودی برای کسانی که ایمان آورده و عمل صالح می‌کنند، مودتی در دل‌ها قرار می‌دهد، دیگر مقید نکرده کدام دل‌ها، آیا دل‌های خودشان یا دل‌های دیگران؟ آیا در دنیا و یا در آخرت و یا بهشت؟ و چون مقید نکرده، وجهی ندارد آن را مانند بعضی‌ها مقید به بهشت کنیم و به قول بعضی دیگر، مقید به قلوب همه مردم در دنیا کنیم و یا مقید به قیودی دیگر بسازیم (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۱۵۴).

بنابراین، بر اساس مفاد آیات قرآن، خداوند محبوب جامعه و مردم شدن را به عنوان یک نعمت الهی بشمار آورده که در پرتو ایمان به اصول و معارف دین و انجام اعمال صالح میسر می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ج ۷، ص ۳۳۱) و هر چه که انسان در مسیر بندگی خداوند اوج بگیرد:

این آفرین و تحسین و ستایش بیشتر است. بعد به جایی می‌رسد که تمام بشریت او را ستایش می‌کنند... دل‌ها را هم خدا با فطرتی ساخته که نمی‌توانند در مقابل فضیلت‌ها و نیکی‌ها و پاکی‌های آنها خاضع نباشند، احترام نگذارند و دوست نداشته باشند (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲۲، ص ۲۹۸-۲۹۷).

مصباح یزدی در تحلیل ارتباط میان محبت به خداوند و نقشی که اطاعت از دستورات الهی در محبوب شدن در میان خلق دارد، معتقد است پشتوانه چنین محبت سریان یافته‌ای، معرفتی است که خداوند در پرتو تلاش انسان برای کسب رضا و جلب خوشنودی او افاضه کرده است که در نتیجه آن، بنده عاشق موفق می‌گردد محبت اغیار را از دل بیرون کرده و دل را در گرو مهر و عشق خداوند سپرده و در مسیر صراط بندگی گام نهاده و متقابلاً محبوب خداوند می‌گردد. در ادامه این فرآیند، خداوند دوست و عاشق خود را محبوب خلق نیز گردانیده و محبت از وجود مؤمن سریان پیدا کرده و در دنیای پیرامونی وی نیز جاری می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۶-۱۶۵)؛ چرا که خداوند سبحان رهبر قلب‌ها و متحول‌کننده آنها بوده و اوست که گرایش جوامع انسانی را به سمت مردان سالک صالح که عقیده صائب را با عمل صحیح هماهنگ کرده‌اند، قرار می‌دهد: «چون آن مردان الهی، محبان راستین خدا و محبوبان واقعی وی‌اند و آثار محبت خدا در مجالی خلقت و مرائی آفرینش و مریای بندگان وی ظهور می‌کند» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۳۴۸).

بنابراین، یکی از خاصیت‌های ایمان این است که انسان با عبودیت خداوند و انجام عمل صالح، بدون اینکه اراده‌ای کرده و یا حرکتی انجام دهد، محبوب قلب آحاد بشر از شرق تا غرب عالم می‌گردد. در روایتی از امام باقر ۷ وارد شده است که:

«إن الله عز و جل أعطى المؤمن ثلاث خصال؛ العز في الدنيا و في دینه و الفلح

في الآخرة و المهابة في صدور العالمين»؛ خداوند سه خصلت به مؤمن عطا

کرده است: عزت در دنیا و دینش، رستگاری در آخرت و شکوه و ابهت در

دل‌های جهانیان» (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۳۹).

«ملا صالح مازندرانی» در شرح «اصول کافی» خود، درباره فقره آخر روایت

می‌نویسد:

مؤمن به جهت قرب به خداوند، دارای ابهت و جذبه‌ای می‌شود که دیگران

و بویژه ستمگران و ظالمان که خود از هیبت خدا در ترس و تشویش

هستند، از وی حساب می‌برند؛ چنانکه مشرکان قریش، علی‌رغم تعداد زیاد

و امکانات فراوان، از رسول خدا ﷺ و یاران اندکش می‌ترسیدند
(مازندرانی، ۱۳۷۲، ج ۱۲، ص ۳۰۲).

نمونه بارز چنین فردی در دوران معاصر، امام خمینی ۱ بنیانگذار انقلاب اسلامی است که نه تنها محبوب دوستان و پیروان خویش بود، بلکه در اندک‌زمانی محبت او در دل بسیاری از آحاد ملت‌ها و بویژه امت اسلامی قرار گرفت:

موضع‌گیری‌ها و تمام زندگی‌اش، آینه‌ای بود که نقش حق را راست بنمود. این تجلی اسلام در وجود وی بود که او را محبوب آدمیان؛ اعم از مسلمان و غیر مسلمان و دوست و دشمن کرد. همه شهادت دادند که در این قرن، شخصیتی به محبوبیت امام خمینی ۱ در عالم میان مسلمانان و غیر مسلمانان مشاهده نشده است (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۰).

بدیهی است این امر در چارچوب هیچ توجیه مادی نمی‌گنجد، که ملتی در سایه ایمان به خدا و عمل صالح، بجایی برسد که بدون اینکه خود بخواهد، محبوب همه ملت‌ها گردد، اما به هر حال، این وعده خداوند است که اگر ایمان را پیشه خود سازید: «سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» (مریم (۱۹): ۹۶).

نتیجه‌گیری

حکومت‌ها برای بقا و توسعه خود همواره در پی گسترش منابع قدرت و استفاده موفقیت‌آمیز از این منابع می‌باشند. از سوی دیگر، پیشبرد اهداف یک کشور در جامعه جهانی که مستلزم نوعی مدیریت و بعضاً اعمال نفوذ بر دیگر بازیگران بین‌المللی است، کشورها را وادار به بازتولید مداوم منابع قدرت خود می‌کند و از همین رو، بازشناسی منابع گوناگون قدرت و نحوه بهره‌گیری از آنها در دوره‌های مختلف تاریخی، منجر به ظهور اشکال جدیدی از قدرت گردیده است. قدرت نرم، یکی از اشکال جدید قدرت است که محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و خارجی، قدرت تأثیرگذاری غیر مستقیم توأم با رضایت بر دیگران، اراده دیگران را تابع اراده خویش ساختن و مؤلفه‌هایی از این سنخ می‌باشد.

امروزه با توجه به شرایط جهانی و تثبیت جایگاه قدرت نرم در سیاست خارجی کشورها و آثار عمیق و دیرپایی که از منابع قدرت نرم ناشی می‌گردد، سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی متوجه این سنخ از منابع قدرت شده است و کشورهای بزرگ و کوچک دنیا، برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدتی را در جهت استفاده بهینه از منابع قدرت نرم خود طراحی کرده‌اند. نظام جمهوری اسلامی ایران که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و مبتنی بر تئوری امام راحل 1 در جریان اندیشه سیاسی اسلام، در مرزهای سرزمینی ایران تشکیل شد، مولد فکر جدید، انسان جدید و مناسبات انسانی - معنوی جدیدی در منطقه و جهان اسلام و بطور کلی در جهان بشری گردید. جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نظام سیاسی مبتنی بر دین و ارزش‌های الهی، با اتحاد و انسجام بی‌مانند داخلی و فرهنگ و تمدنی به گستره تاریخ بشری و اهداف و رفتار سیاست خارجی جذاب و... دارای ظرفیت‌های عظیم و بالقوه‌ای در خصوص منابع قدرت نرم است که فعلیت یافتن اندکی از آن در سال‌های گذشته، نتیجه‌ای جز افزایش نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی ایران و کاهش نفوذ و همراهی جهانی با اهداف آمریکا به همراه نداشته است.

ارزش‌ها و باورهای بنیادین ارائه‌شده در قالب نظام اسلامی چون توحید، عدالت، خودباوری و... به عنوان یکی از منابع عظیم و بی‌پایان تولید قدرت نرم‌افزاری در حکومت اسلامی بشمار می‌رود که از طریق فرآیندهای چندگانه‌ای به تولید قدرت می‌پردازند. در این میان، توحید و ایمان به خدا که از ارکان اصلی و به عبارتی، دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی بشمار می‌رود، به علت ریشه‌داشتن در فطرت آحاد انبای بشر از خاصیت جذابیت‌آفرینی بی‌شماری برخوردار است که از طریق فرآیندهایی چون سنخیت‌سازی با فطرت همه انسانها، ارائه آرمان‌های فراملی جذاب و جذابیت‌آفرینی غیر ارادی به تولید قدرت نرم، برای نظام اسلامی می‌پردازد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. آذربایجانی، مسعود، روان‌شناسی دین از دیدگاه ویلیام جمیز، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷.
۳. آلفیلیپ، دانیل و همکاران، درآمدی بر روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه مرتضی کتبی، تهران: نشر نی، ۱۳۷۹.
۴. اسپوزیتو، جان، انقلاب اسلامی و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیر شانه چی، تهران: انتشارات بارز، ۱۳۸۲.
۵. الدر، جان، ایمان به خدا در قرن بیستم، تهران: شورای کلیسای انجیلی ایران، ۱۳۶۱.
۶. امام خمینی، سیدروح الله، صحیفه امام، ج ۸ و ۹، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
۷. برکوویتز، لئونارد، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه محمد حسین فرجاد و عباس محمدی اصل، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۷.
۸. بریر، کلر و پیر، بلانشه، ایران؛ انقلاب به نام خدافراه، ترجمه قاسم صنعوی، تهران: سحاب کتاب، ۱۳۵۸.
۹. پلتنینگا، الوین، عقل و ایمان، ترجمه بهناز صفر، تهران: اشراق، ۱۳۸۱.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، فطرت در قرآن، ج ۱۲، قم: اسراء، ۱۳۷۵.
۱۱. -----، ادب فنای مقربان، ج ۲، قم: اسراء، ۱۳۸۸.
۱۲. -----، تفسیر موضوعی؛ سیره پیامبران در قرآن، ج ۷، قم: اسراء، ۱۳۹۱.
۱۳. -----، شریعت در آینه معرفت، قم: اسراء، ۱۳۷۳.
۱۴. -----، فلسفه حقوق بشر، قم: اسراء، ۱۳۷۷.
۱۵. حاجتی، احمدرضا، عصر امام خمینی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۱.
۱۶. راسل، برتراند، قدرت، ترجمه نجف دریابندری، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۱.
۱۷. راش، مایکل، جامعه و سیاست، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: سمت، ۱۳۷۷.
۱۸. رایت، رایین، شیعیان؛ مبارزان راه خدا، ترجمه علی اندیشه، تهران: نشر قدس، ۱۳۷۲.
۱۹. رجایی، فرهنگ، مشکله هویت ایرانیان امروز؛ ایفای نقش در عصر یک تمدن و چند فرهنگ، تهران: نشر نی، ۱۳۹۱.

۲۰. رنی، آستین، حکومت، ترجمه لی لا سازگار، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۴.
۲۱. صبوری، منوچهر، جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۱.
۲۲. صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، الخصال، ج ۱، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۲.
۲۳. طباطبایی، محمد حسین، ترجمه المیزان، ج ۱۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
۲۴. -----، رسالة الولاية، تهران: انتشارات بعثت، ۱۳۶۰.
۲۵. فروم، اریک، روانکاوی و دین، ترجمه آرسن نظریان، انتشارات پویش، ۱۳۵۹.
۲۶. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، ج ۲، قم: مؤسسه دار الهجرة، ۱۴۱۴ق.
۲۷. کینگ، ساموئل، جامعه‌شناسی، ترجمه مشفق همدانی، تهران: انتشارات سیمرغ، ۱۳۵۵.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۸، تهران: اسلامیه، ۱۳۶۵.
۲۹. لوکس، استیون، قدرت؛ فر انسانی یا شر شیطانی، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۱.
۳۰. مازندرانی، محمد صالح، شرح الکافی، ج ۱۲، تهران: الاسلامیه، ۱۳۷۲.
۳۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۲، ۳ و ۷۱، تهران: اسلامیه، ۱۳۶۶.
۳۲. محمدی، منوچهر، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵.
۳۳. مددپور، محمد، دیداربینی، معرفت‌شناسی باطنی و منطق تأویل، تهران: منادی تربیت، ۱۳۸۱.
۳۴. مصباح یزدی، محمد تقی، معارف قرآن (۳-۱)، ج ۲، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۱.
۳۵. -----، آموزش عقائد، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۴.
۳۶. -----، به سوی خودسازی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸.
۳۷. -----، اخلاق در قرآن، ج ۱، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۳.

۳۸. ----- پند جاوید، ج ۲، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰.
۳۹. ----- سیری در ساحل، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۹.
۴۰. ----- نظریه سیاسی اسلام، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۱.
۴۱. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۱، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴.
۴۲. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۲ و ۲، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۷.
۴۳. مفید، محمد بن محمد، اوائل المقالات، بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۴ق.
۴۴. مورگتا، هانس جی، سیاست میان ملت‌ها، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۴.
۴۵. نای، جوزف، قدرت نرم؛ ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل، ترجمه محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق ۷، ۱۳۸۷(الف).
۴۶. ----- قدرت در عصر اطلاعات، ترجمه سعید میرترابی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۷(ب).
۴۷. ----- آینده قدرت، ترجمه احمد عزیزی، تهران: نشر نی، ۱۳۹۲(الف).
۴۸. پال، رابرت و همکاران، قدرت و موازنه نرم در سیاست بین‌الملل، «قدرت نرم، قدرت سخت و رهبری»، ترجمه عسگر قهرمانپور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۲(ب).
۴۹. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۸ و ۸، قم: مؤسسه آل‌البتیت: لاجیاء التراث، ۱۴۱۴ق.
۵۰. یاسوشی، واتانابه و مک کانل، دیوید، آموزش عالی، فرهنگ عامه و قدرت نرم (مطالعه موردی ژاپن و ایالات متحده)، ترجمه محسن روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق ۷، ۱۳۸۹.